



صبر؛ توصیه امام جواد/شبهه امامت جوادالائمه در کودکی چگونه برطرف شد

حجت الاسلام مافی نژاد گفت: امام جواد(ع) در روایتی می فرماید: «تَوَسَّدَ الصَّبْرَ». صبر را بالشت زیر سر خود قرار دهید. این توصیه امروز خیلی به درد ما می خورد. شیعه همواره باید صبور باشد.

حجت الاسلام مافی نژاد گفت: امام جواد(ع) در روایتی می فرماید: «تَوَسَّدَ الصَّبْرَ». صبر را بالشت زیر سر خود قرار دهید. این توصیه امروز خیلی به درد ما می خورد. شیعه همواره باید صبور باشد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: به مناسبت ۲۸ ذی القعدة سالروز شهادت امام محمدتقی (ع) با حجت الاسلام مهدی مافی نژاد، کارشناس تاریخ اسلام گفتگویی انجام داده ایم که در ادامه می خوانید:

مافی نژاد به خبرنگار مهر گفت: زمان حیات وجود نازنین امام رضا (ع)، شبهه کم بودن سن امام جواد (ع) را مطرح کردند. مأمون یک گردهمایی تشکیل داد و از این شانتاژ سیاسی استفاده کرد و معتقد بود این شبهه خیلی جاندار است و الآن بهترین وقت است. علما را دورهم جمع می کنیم و امامت ایشان را زیر سوال می بریم. همه علما جمع شدند در یک مجلسی حدود ۳۰ هزار سوال و طبق نقلی ۲ هزار سوال مطرح شد که حضرت همه را جواب دادند.

این کارشناس مذهبی افزود: بعد به اینجا رسیدند که آیا سن امام می تواند این قدر کم باشد، حضرت فرمودند چطور پیامبری مثل حضرت عیسی (ع) در گهواره به سوالات مردم جواب می دادند و به مقام نبوت رسیدند، امامت هم همین طور است. امامت انتصاب خدایی است و از جانب پروردگار عالم است پس ربطی به سن و سال ندارد. خدا خواسته و شده است. شما الآن از امام چه می خواهید؟ از لحاظ عقلی سوال کردید که در این مجلس جواب دادیم. حکمت و معرفت می خواهید که داریم. خاندان می خواهید که همه این ها منطبق است.

وی ادامه داد: در همان مجلس همه بالاتفاق به امامت امام جواد (ع) روی آوردند و مأمون در این وضعیت مفتضح شد. همه ائمه اطهار (ع) علم شأن لدنی و از جانب پروردگار عالم بود. علم شأن ذاتی بود و این طور نبود که علم را اکتساب کنند و این هم پاسخ دیگری برای این شبهه است. اگر علم امام اکتسابی باشد در سن کودکی چون یک کودک درک آن چنانی از مسائل ندارد نمی تواند به امامت برسد، ولی اگر بدانیم علم امام مثل امام جواد (ع) علم خدایی است، قطعاً می توانیم بگوییم علمی که خدایی باشد، مثل حضرت عیسی (ع) دیگر آن کالبد و جسم زیاد مهم نیست.

مهدی مافی نژاد اضافه کرد: مهم آن علمی است که از جانب پروردگار عالم داده شده است. در بحث امامت مردم می خواهند علم خدا را بشنوند. نمی خواهند از بنده خدا یاد بگیرند که از کالبد بنده خدا بشنوند بلکه می خواهند از خدا حرف بشنوند. حالا این حرف از خدا شنیدن می خواهد از لسان یک نوجوان یا حتی کودک در گهواره باشد که همه این ها نکات بسیار مهمی دارد.

وی سپس گفت: زمان وجود نازنین و مقدس امام جواد (ع) اختناق بسیار زیاد شد. نفاق و وضعیت منافقانه و از طرفی یک وضعیت انحصاری ایجاد شد. از آن جایی که مأمون دخترش را به زور و اجبار به عقد امام جواد (ع) درآورد، مشخص می شود که حضرت را در منگنه قرار دادند و دوره و زمانه بنی عباس به آنجا رسید که این ها فهمیدند دیگر به زور و اجبار نمی توانند جلوی امام را بگیرند پس سعی کردند حضرت را در انحصار قرار بدهند. انحصار از امامت امام جواد (ع) آغاز شد. از زمان امام جواد (ع) ائمه تحت محاصره قرار گرفتند.

مهدی مافی نژاد اظهار داشت: دیگر از این محاصره بالاتر که رسماً همسر ایشان در خانه ایشان جاسوس و عامل مأمون بود؟ در نتیجه شرایط شیعیان و دوستان اهل بیت شرایط خیلی سخت و دشواری شد، لذا اهل بیت عصمت و طهارت با همین شرایط دشوار، دین را خیلی زیبا و قشنگ به طرق مختلف می رساندند. اوج این شرایط اختناق، زمان امام حسن عسگری (ع) است. در زمان ایشان تفسیر قرآنی از جانب امام حسن عسگری (ع) صادر می شود که ملجأ و منشأ تمام مفسرانی می شود که امروز قرآن را تفسیر می کنند که از روی تفسیر امام حسن عسگری (ع) دارند تفسیر می کنند.

وی همچنین عنوان کرد: اهل بیت ما کاری به محاصره و این جریانات نداشتند که تبلیغ شأن ضعیف یا عنایت شأن نسبت به شیعیان کم شود. حضرت به طرق مختلف شاگردان خود را به صورت محرمانه و مخفیانه تربیت می کردند تا زمان امام

حسن عسگری (ع) که این اختناق اوج گرفت و محاصره خیلی شدید شد. در نامه ای که منتسب به امام حسن عسگری (ع) است، آمده که امام حسن عسگری (ع) به یکی از غلامان شأن فرمود این شتر را با عصا ببر. می گوید وقتی من شتر را با عصایی بردم تا به فلانی رسیدم، طرف عصا را زد و شکست. خیلی ناراحت شدم و گفتم چطور عصایی که امام حسن عسگری (ع) به او داده را می شکند؟ تا اینکه دیدم از داخل عصا نامه ای درآمد. فهمیدم امام این قدر ظریف برای پوشش این موضوع محرمانه این گونه موضوعی را منتقل کردند.

مهدی مافی نژاد خاطر نشان کرد: منابع غنی دینی ما از وجود نازنین و مقدس اهل بیت به سختی به ما رسید. این سختی ها هم از زمان امام جواد (ع) شروع شد. به شهادت رساندن اهل بیت عصمت و طهارت در حکومت بنی عباس نیز در واقع تیر آخر این جریان بود. مثلاً وقتی مأمون امام رضا (ع) را به خراسان کشاند حضرت آمدند. چرا؟ چون مأمون گفت ما که نمی توانیم اهل بیت را بکشیم. چون اهل بیت با شعار خون خواهی امام حسین (ع) روی کار آمدند. بنابراین بنی عباس با شعار حمایت از اهل بیت عصمت و طهارت بر مردم حکمرانی می کردند. یعنی ظاهرشان ظاهر دین دار بود.

وی تأکید کرد: راه دین از دین دار جداست. بنی عباس کسانی بودند که با شعار اهل بیت روی کار آمدند، لذا اگر دقت کنید خود مأمون که زیرک ترین بنی عباس بود دید نمی تواند به راحتی امام رضا (ع) را به قتل برساند. بنابراین آمد حضرت را در انحصار خود و در جایگاه ولیعهدی گذاشت. دید باز هم نمی شود و باز امام رضا (ع) از این فرصت به بهترین نحو استفاده کردند و فاتحه بنی عباس را خواندند. در نتیجه ایشان را به شهادت رساندند. زمان امام جواد (ع) خود مأمون مرده بود، ولی حاکم بعدی بنی عباس بازم فکر می کرد مثل مأمون می تواند امام را کنترل و مدیریت کند. وقتی دید نمی تواند ایشان را کنترل و مدیریت کند به فکر به شهادت رساندن ایشان افتاد.

مهدی مافی نژاد افزود: این ها اول فکر نمی کردند مردم امام جواد (ع) را باور کنند. می گفتند حضرت نوجوان هستند چه کسی او را باور می کند؟ پس برویم کنار حضرت و با کنار حضرت بودن و همراهی با او می توانیم بر مردم حکومت کنیم. اما دیدند نمی شود. حضرت جواد (ع) هم به پیروی از آبا و اجداد بزرگوارشان به نحو احسن و درجه یک تبلیغ ولایت کردند و شاگردان بسیاری تربیت کردند. لذا تیرشان به سنگ خورد و مانند سایر ائمه امام جواد (ع) را به شهادت رساندند.

وی در ادامه عنوان کرد: از زمان امام جواد (ع) به بعد حتی نسل حضرت را بررسی می کردند. یعنی اجازه نمی دادند اهل بیت عصمت و طهارت بچه دار شوند. از زمان امام جواد (ع) حتی با وجود ملعونه ای مثل ام فضل، این ها باورشان نمی شد وجود مقدس امام هادی (ع) پای به عرصه وجود بگذارند. امام هادی (ع) هم توسط خود امام جواد (ع) معرفی شدند. آنجا بود که دیدند کار از کار گذشته و تلاش هایشان بی ثمر بوده در نتیجه امام جواد (ع) را به شهادت رساندند. امام هادی (ع) هم کنترل شدیدی می شدند. در سامرا حضرت را تحت مراقبت های امنیتی آوردند و ایشان هم امام حسن عسگری (ع) را به مردم معرفی کردند.

مهدی مافی نژاد سپس اظهار داشت: بنی عباس دیدند نمی شود باید امام حسن عسگری (ع) را بکشیم تا امام حسن عسگری (ع) دیگر نسلی نداشته باشند. شما تاریخ را که می خوانید می بینید این ها به هیچ وجه نمی دانستند حضرت بقية الله اعظم (عج) وجود دارند. امام حسن عسگری (ع) هم ایشان را معرفی نکردند تا زمانی که امام زمان (عج) بر بدن و پیکر مطهر و نازنین شأن نماز خواندند.

وی اضافه کرد: یک روایت خیلی زیبا از امام جواد (ع) نقل شده است که حضرت به کسی که رفتند به ایشان گفتند من را موعظه کنید، این روایت را فرمودند که «تَوَسَّدِ الصَّبْرَ». صبر را بالشت زیر سر خود قرار دهید. این توصیه امروز خیلی به درد ما می خورد. شیعه همواره باید صبور باشد. وقتی که خداوند متعال به ما گفت این عهد را پذیرفتید همه گفتیم بله، خدا بلا هم به ما داد یعنی ما را در معرض امتحان قرار داد. امتحان خدا را باید درست پاسخ دهیم و پاسخ به امتحان خدا صبر است. در ادامه حضرت فرمودند: «تَوَسَّدِ الصَّبْرَ وَ اعْتَنِقِ الْقَفْرَ». فقر را به آغوش بگیر. این فقر یعنی همیشه نیازمند در خانه خدا باش.

مهدی مافی نژاد سپس گفت: این فقر آن فقری نیست که پیامبر اکرم (ص) فرمودند از آن دوری کنید. این فقر، فقری است که پیامبر فرمودند افتخار من است. یعنی همیشه نیازمند در خانه خدا و اهل بیت باشید. در خانه خدا در خانه حجت خدا هم هست. در ادامه فرمودند: «وَ ارْقُضِ الشَّهَوَاتِ». شهوات خود را لجام بزن. یعنی به شهوات خودت یک لجامی بزن و کنترل کن. در ادامه این نصیحت امام جواد (ع) این را می فرمایند که: «وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ». بدان هیچ وقت از پیشگاه، دیدبانی و دوربین خدا مخفی نیستی و همیشه خدا دارد شما را می بیند.

وی در پایان گفت: اگر ما واقعاً در زندگی خود یک سیستم نظارت در نظر بگیریم، زندگی ما زیبا می شود. فکر کنید یک دوربین فیلم برداری کنارتان هست و دارد از شما فیلم می گیرد. چقدر شکل زندگی شما فرق می کند و متفاوت می شود؟ امام جواد (ع) فرمودند تو هر لحظه تحت نظارت دوربین خدا قرار داری.